

مدارس ایرانی در شوروی

مشهد
۱۳۴۴

تاریخ تأسیس قدیمی‌ترین مدرسه ایرانی در روسیه، براساس اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران به سال ۱۳۲۴ ق. باز می‌گردد. ایجاد این مدارس اغلب به همت ساکنان و کمک مالی تجار ایرانی نژاد این مناطق بود، که معمولاً از راه تشکیل انجمن‌های خیریه و جمع‌آوری اعانه‌های نقدی مردم علاقه‌مند صورت تحقق به خود گرفت. به طوری که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. در روسیه، به سبب مسدود شدن باب تجارت، ورشکستگی تجار ایرانی و بازگشت اتباع متمول ایرانی به وطن، ادامه کار این مدارس به ویژه از نظر مالی مختل گردید.^۱

حکومت نوین سوسیالیستی در راستای تغییرات بنیادین اجتماعی، برای تأسیس مدارس بیگانگان در کشور خود مقررات تازه‌ای نیز وضع کرد. قوانینی که از سوی کمیساریای ملی معارف دولت اتحاد شوروی برای مدارس ایرانی صادر شد، به قرار زیر است:

۱- مدارس ایرانی تحت نظر و مراقبت نماینده سیاسی دولت ایران خواهد بود.

۲- معلمین مدارس ایران از طرف ریاست مدرسه انتخاب شده و ریاست معارف ایالتی محلی حق خواهد داشت، نسبت به اشخاصی که نامزد برای معلمی هستند نظر داشته و آنها را رد نماید.

۳- تعلیم مطابق پرگرام وزارت معارف دولت علیه ایران خواهد بود.

۴- حق تفتیش مدارس به وسیله اعضای کمیساریای ملی معارف محفوظ خواهد بود.

۵- ترتیب مقرر مذکور فقط شامل مدرسی است که اطفال اتباع ایرانی در آن جا تحصیل می‌کنند.^۲

در سند دیگری به این نکته اشاره شده، که برای ادامه تحصیل در سطح عالی، افراد باید تبعه اتحاد شوروی باشند. این مسأله خود باعث ناامیدی دانش‌آموزان ایرانی از ادامه تحصیل گردید؛ چرا که بسیاری از آنان تمایلی به پذیرش تابعیت کشور بیگانه نداشتند. در این زمینه اغواگری و تبلیغات منفی برخی از مغرضان در بین دانش‌آموزان ایرانی به این مسأله بیش از پیش دامن می‌زد.^۳

مطلب درخور توجه، دخالت متصدیان حکومت سوسیالیستی در امور مدارس ایرانی است. بدین صورت که سردمداران نظام نوین اساساً با تأسیس و با ادامه هر نوع انجمن خارجی در سرزمین وسیع روسیه مخالفت می‌کردند. بالطبع انجمن‌های

خیریه ایرانیانی که سهم عمده‌ای را در اداره امور مدارس ایرانی برعهده داشتند، از تعرض مأموران حکومت در امان نماندند و بزودی همه آنها منحل شدند. این خود بهانه‌ای شد تا اداره و کنترل این مدارس در دست حکومت جدید قرار گیرد و کلیه دروس، طبق برنامه محلی تدریس شود و معارف محلی نیز پرداخت تمام مخارج جاری از جمله حقوق معلمان را برعهده گیرد. مثلاً هزینه مدرسه اتحاد بادکوبه به وسیله دولت اتحاد شوروی تأمین می‌شد و مداخله قنصلگری ایران صرفاً جهت حفظ و ترویج زبان فارسی بود.^۴

به دنبال انحلال انجمن‌های خیریه، قنصلگری ایران در بادکوبه، صندوق خیریه دیگری در محل قنصلخانه ایران تأسیس کرد که بودجه آن از محل دریافت عوارض از تذکره‌های ایرانیان تأمین می‌شد. بدین ترتیب کمک خرج ماهیانه کارکنان مدارس ایرانی از آن محل فراهم و پرداخت می‌شد، تا جنبه ایرانی بودن این مدارس محفوظ مانده و اسباب و اثاثیه آنان از دستبرد دیگران در امان بماند. دیگر از موارد مداخله حکومت جدید در امور مدارس، همانا مختلط کردن مدارس ایرانی توسط کمیته جوانان ساوت به نام کامسامول^۵ بود.

در یکی از سندها به تغییر نام «مدرسه اتفاق تفلیس» به «مدرسه ایران و شوروی و نیز حذف علامت رسمی شیر و خورشید از تابلو، کاغذ و مهر مدرسه از سوی اداره معارف محلی اشاره شده، که حاکی از دخالت مستقیم این اداره در امور مدارس ایرانی می‌باشد.^۶ همچنین اعتصاب و به تعطیل کشاندن مدرسه‌ای از جانب روس‌ها از جمله موارد دیگری از دخالت‌های آنان در امور داخلی مدارس ایرانی است.^۸ این مسأله از آن جا نشأت می‌گیرد که اداره معارف بادکوبه و اتفاق معلمین، خواهان انعقاد قرارداد جمعی با معلمان بومی و مطابق با قانون محلی بوده است، ولی تأکید وزارت معارف ایران بر انعقاد قرارداد به صورت فردی بود، که طبق همین نظر با معلمان قراردادی را منعقد کرد. در مقابل، اداره معارف بادکوبه و اتفاق معلمین بنای مخالفت و تهدید را گذارده، آنها را از تسهیلات و امتیازاتی که به موجب قانون، به همه معلمان تعلق می‌گرفت محروم کرد. مداخله دیگر، دخالت در استخدام معلمان جدید ایرانی بود. طبق قرارداد، انجام این کار در انحصار مدیر مدرسه بود. ولی روس‌ها

اصرار داشتند که معلمان جدید باید از میان اعضای بیکار تنافس معلمین انتخاب شوند. چرا که در این صورت بهترین می توانستند نظرات خود را در مدارس اجرا کنند. در این میان مهمترین کار حکومت سبب بستنی در مدارس اسلامزدایی و جایگزینی و بسج بینش مادی در اذهان بود. مثلاً در فارسی کتابخانه مدارس ایرانی از حومه مدرسه اتحاد نامه کتاب های فارسی را به عنوان آن که سه سه دارد و یا در آنها سخن آردین و پیامبران برده شده و از سلاطین و ساری جور تعریف و تسخیر به عمل آمده، ضبط کرده و با خود می بردند. اگر هم از سوی مدیر مدرسه مقابله می بود می پیوست، کتابخانه را می ربود کرده و آن را تعقیب می کردند. همچنین با تدریس کتبی که در آنها واژه هایی چون «دعا» و «پادشاه» وجود داشت مخالفت کرده و خواهان حذف چنین کلماتی از امر تدریس بودند.^{۱۱}

تاریخچه تأسیس مدارس ایرانی در روسیه از مدارس اتحاد یادکوبه، اتفاق تفتیش و مدرسه مظفری، می توان به عنوان مهمترین مدارس ایرانی در روسیه نام برد. این سه مدرسه نسبت به سایر مدارس ایرانی فعالیت کرده و نقش مهمتری را در اشاعه زبان فارسی در روسیه به عهده داشتند.

مدرسه اتحاد در ۱۵ شعبان ۱۳۲۴ ق. در نتیجه مدعی قنصلگری ایران و با همت سده ای از تجار معروف آن زمان، همچون حاج ملا حسین تبریزی و دیری شریف الدوله نماینده وقت دولت ایران در یادکوبه تأسیس شد. در ابتدا انجمن خیریه ای مرکب از هفت بازرگان معتبر و یک نفر که نماینده قنصلگری بود، برای جمع آوری اعانه های خصوصی و وجوه نقدی تشکیل شد و بدین وسیله همه نوع اسباب و لوازم تدریس و کتابخانه، آزمایشگاه فیزیک و شیمی، وسایل موزیک، لباس، دکوراسیون تئاتر و... برای مدرسه خریداری شد و زیر نظر مدیر مدرسه - میرزا حسین خان کمال - به کار گرفته شد. دانش آموزان زبان های فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه و آلمانی را فرا می گرفتند و البته اغلب دروس به فارسی تدریس می شد.

تا قبل از انقلاب اکتبر مخارج این مدرسه و سایر مدارس ایرانی در قفقاز از محل عایدات اضافات تذکرها و شهریه شاگردان و اعانه های محلی تأمین می شد. اداره مدارس مزبور نیز کاملاً زیر نظر قنصلگری ایران بود و بیشتر معلمان هم

تبعه ایران بودند. ولی پس از انقلاب، این مدارس با کسر بودجه روبرو شدند و همان طور که اشاره گردید، حکومت تازه مدارس را تصرف کرد و دست ایرانیان در اداره امور به کلی قطع شد.^{۱۲} هنگامی که انقلاب روسیه آغاز شد و

اشکالاتی را به وجود می آورد.^{۱۳} برنامه مدرسه متوسطه اتحاد ایرانیان بدین قرار بود:

۱- زبان فارسی با اصول تدریس آن - ۲- زبان ترکی با اصول تدریس آن - ۳- زبان روسی - ۴-



حکومت آذربایجان با نام حکومت مساوات رنگ استقلال به خود گرفت، مدرسه مزبور توسط قشون انگلیس تصرف و تخلیه گردید و اذیت آن در میان کوچه ها ریخته شد و مدرسه تا مرز انحلال پیش رفت.^{۱۳}

مدرسه اتحاد شامل یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه بود. در ۱۳۰۳ ش. مدرسه پسران دارای ساختمانی با ۷ طبقه و ۱۲ کلاس بود که متجاوز از ۴۰ دانش آموز در آن به تحصیل اشتغال داشتند. مدرسه دختران نیز در همین سال ۱۵۰ شاگرد داشت که اکثر آنها از اهالی یادکوبه بودند. مدرسه پسران ۱۸ معلم و دختران ۸ معلم داشت که حقوق ماهانه خود را از حکومت دریافت می کردند. اگر حقوق معلمان را به مخارج عادی مدرسه و حقوق فرانش ها و دیگر مخارج اضافه کنیم هزینه مدرسه در هر ماه به مبلغی بالغ بر ۶۰۰ منات (تقریباً ۳۰۰ تومان) می رسید.^{۱۴}

در تمام مدارس شوروی بین دانش آموزان غذا و لباس توزیع می شد، ولی به خاطر نبودن امکانات لازم، چنین کاری در مدارس ایرانی

علوم و اجتماعیات - ۵- ریاضیات با اصول تدریس آن - ۶- فیزیک - ۷- شیمی - ۸- تاریخ طبیعی - ۹- جغرافیای اقتصادی - ۱۰- جغرافیای ایران - ۱۱- تاریخ ایران و [تاریخ] عمومی - ۱۲- پداگوژی (فن تربیت اطفال) - ۱۳- پداگوژی - ۱۴- متد و اصول تدریس سیستم کمپلکس - ۱۵- نقاشی - ۱۶- موسیقی - ۱۷- زحمات تکنیکی - ۱۸- ژیمناستیک - ۱۹- دروس نمونه (تطبیقات) - ۲۰- ورزش جهت آماده شدن نظام.^{۱۶}

در باره تأسیس مدرسه اتفاق تفتیش یحیی دولت آبادی می نویسد: «چند سال قبل که در ایران معارف پروری بازارش رواج داشت، مأمورین ایران در خارجه به این وسیله تحصیل نام نیک می نمودند. مأمورین ایران در قفقاز به مساعدت و تشویق میرزا حسین خان مشیرالدوله که آن وقت وزیر مختار در ممالک روسیه بود، انجمن خیریه ای برای ایرانیان در تفتیش دائر نموده، نظامنامه خوبی برای تأسیس یک باب مدرسه نوشته آن را به امضاء حکومت روس رسانید و

مدرسه‌ای موسوم به اتفاق تأسیس کردند. پس از برهم خوردن مجلس شورای ملی در تهران این انجمن هم سست شده کاری نمی‌کند.^{۱۷}

مدرسه اتفاق تفلیس نیز به همت تجار ایرانی تأسیس شد. مخارج مدرسه از طریق عایدات کاروانسرای که توسط این تجار خریداری شده بود تأمین می‌شد. پس از انقلاب کاروانسرای مزبور در شمار اموال ضبط شده درآمد و اداره مدرسه هم از دست معلمان ایرانی خارج گردید.^{۱۸}

برنامه مدرسه اتفاق ایرانیان تفلیس در سال تحصیلی ۱۰-۱۳۰۹ ش. بدین قرار بود:

- ۱- کلاس تهیه ۲- دروس معلم کلاس که عبارت بود از دروس ترکی، حساب و طبیعات
- ۳- سرود ۴- نقاشی ۵- کاردستی ۶-
- ورزش ۷- فارسی ۸- تاریخ ایران ۹-
- جغرافیای ایران ۱۰- روسی ۱۱- گرجی ۱۲-
- تعلیمات مدنی ۱۳- قیزیک

در کلاس‌های تهیه و اول روزی یک ساعت تدریس زبان فارسی جزو دروس معلم کلاس بود.^{۱۹}

مدرسه مظفری عشق‌آباد: در ۱۳۲۵ ق. با تلاش جمعی از ایرانیان احداث شد. در ۱۳۰۲ ش. هیأت وزرای ایران تصویب کرد، ماهی ۲۰۰ تومان از سوی دولت به آن مدرسه کمک

شود. اما مبلغ مذکور فقط به مدت سه ماه و نیم پرداخت شد. بعد از آن مقرر گردید از اول میزان ۱۳۰۲ ش. ماهی ۱۰۰ تومان به این مدرسه پرداخت شود.

مدرسه مظفری به دستگیری یک مدیر، شش معلم و دو فراش اداره می‌شد. تعداد شاگردانش ۲۵۳ نفر بود که از این عده ۱۳۵ نفر مجانی تحصیل می‌کردند و بقیه ماهی چهار قران حق تعلیم می‌پرداختند.

برنامه مدرسه شامل دروس زیر بود:

- ۱- زبان فارسی و روسی ۲- شرعیات ۳-
- حساب ۴- جغرافی ۵- تاریخ ۶- طبیعات
- ۷- حفظ الصحه ۸- ورزش ۹- نقاشی ۱۰-
- موسیقی.

مدرسه مظفری یک کتابخانه داشت که در ۱۳۳۵ ق. به کمک چند نفر از معارف پروران ایرانی تأسیس شد. این کتابخانه دارای ۸۰۰ جلد کتاب علمی، ادبی و اخلاقی بود که بیش از $\frac{۳}{۴}$ آنها به زبان روسی و ترکی بود. همچنین مدرسه یک موزه علمی داشت که انواع حشرات و حیوانات روغن زده، پرندگان، مسکوکات عتیقه و بعضی از مجسمه‌های مشاهیر در آن دیده می‌شد. این مدرسه دو سالن داشت. سالن کوچک مخصوص اجرای نمایش‌های اخلاقی و کنفرانس‌های علمی و ادبی بود که دیوارهای آن را با عکس‌هایی از مشاهیر ایران از قبیل سعدی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، نادرشاه، مظفرالدین‌شاه و سید جمال‌الدین اسفندیاری تزئین کرده بودند. سالن دیگر، سالن بزرگ مدرسه بود که جهت برپایی اجتماعات ملی و شور و دو مقدمات عمومیه تأسیس شده بود.^{۲۰}

مدرسه وطن ایرانیان: این مدرسه در ۱۳۳۶ ق. به همت اهالی ایرانی نژاد قصبه سراب بادکوبه، به دنبال تشکیل انجمنی به نام جمعیت معارف وطن تأسیس گردید. میرزا عبدالله عبدالله‌زاده مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه نیز نظامنامه‌ای برای آن نوشت که بخشی از مفاد آن به قرار زیر است:^{۲۱}

- ۱- مدرسه وطن در تحت نظارت جمعیت معارف وطن، مقیم بادکوبه خواهد بود که به امورات مدرسه جزاً و کلاً رسیدگی کرده، مطابق نظامنامه جمعیت معارف وطن معمول و مجری دارند.

- ۲- ابتدای دروس از اول میزان [مهر] و اختتام آن تا آخر جوزا [خرداد] خواهد بود و یک ماه سرطان [تیر] متعلق به امتحانات سالیانه مدرسه بوده که از ابتدای برج اسد [مرداد] امتحانات تمام و مدرسه تعطیل خواهد شد و موقع تعطیل مدرسه دو ماه بیشتر نخواهد بود.
- ۳- پروگرام (فهرست دروس) مختص هر کلاس (صورت دروسی که باید در تمامی سال از هر کلاس تدریس شود) بایستی در روز اول افتتاح مدرسه حاضر بوده به دیوار آن کلاس نصب شده باشد.

توضیح: این پروگرام در تمام مدت سال تغییرناپذیر است، مگر به نظریات شخصی مدیر و تصویب ریاست کل.

۴- طول مدت تدریس هر درس بیش از پنج‌جاه دقیقه نخواهد بود.

۵- شاگرد در وسط سال قبول نمی‌شود، مگر به تصویب هیئت شوروی معلمان، در آن صورت امتحان لازمه از آنچه که میدانند از او شده به هر کلاس لایق بود به آنجا سپرده شود

۶- کلاسهای درس فقط مختص تدریس بوده، امورات غیرتدریسه اکیداً ممنوع است.

۷- در اعیاد مذهبی، ملی و ایام سوگواری به تفصیلی که در نظامنامه مذکور است مدرسه تعطیل میشود.

۸- روز اولیکه مدرسه افتتاح میشود و روز آخری که تمام میشود بالاخصاص دغیه لازمه مختص به افتتاح و اختتام قرائت شده که بایستی معلمان و متعلمین کلاً برای استماع حاضر باشند.

۹- شورای معلمان: اعضای این شورا عبارتند از مدیر، معلم شریعت و معلمان

۱۰- وظایف شورای معلمان: قبول کردن شاگرد و گذراندن آن از کلاسی به کلاس دیگر. شوری در خصوص سعی و اخلاق شاگردان و چاره برای کم سعی ایشان و تزکیه اخلاقشان، تعیین امتحانات، مذاکره در خصوص دادن شهادتنامه به شاگردانی که مدرسه را تمام کرده و یا نکرده‌اند، تخریج کردن شاگرد از مدرسه در صورتیکه کم سعی و بد اخلاق بوده باشد، مذاکرات در خصوص کتابخانه و انتخاب کتاب قرائت برای شاگردان و غیره.

مدرسه نجات باطوم: به خاطر موقعیت تجاری شهر باطوم، گروهی از بازرگانان ایرانی در آن جا گرد آمده بودند. در ۱۹۲۰ م. شخصی به نام باقر خان فهیمی از طریق کمک‌های مالی تجارت مدرسه نجات را احداث کرد. در آغاز کار، این مدرسه دارای ۱۰۰ شاگرد و دو معلم بود که مختصر معلوماتی در امر تدریس داشتند. منبع درآمد مدرسه عبارت بود از: شهریه شاگردان، اعانه‌های فردی و همچنین پولی که قنصلگری نسبت به درجات تذکره از اشخاص می‌گرفت. به تدریج قنصل وقت از توجه به امور مدرسه سر برتافت و مدرسه به وسیله انجمن خیریه ایرانیان به هر نحو که ممکن بود اداره می‌شد. پس از انقلاب روسیه تجارت باطوم به واسطه مالیات‌های گزاف

و سختگیری حکومت به کلی از هم پاشید و اغلب ایرانی‌ها به وطن بازگشتند. از این رو عایدات مدرسه به هیچ وجه کفاف مخارج آن را نمی‌داد.^{۲۲}

مدرسه ایرانیان در تاشکند: این مدرسه به وسیله انجمن خیریه تأسیس شد و چون مصادف با نخست وزیرری سردار سپه بود آن را «سپه» نامیدند.^{۲۳}

مدرسه دیگری در آنجا وجود داشت که متعلق به بهائیان ایران بود.

مدارس مرو و گرگانوسک: این مدارس نیز به کمک اقتداء الملک نماینده وقت دولت ایران در روسیه تأسیس گردید.

سرانجام به علت دخالت‌ها و تضییقات حکومت سوسیالیستی در اداره مدارس ایرانی، دولت در ۱۳۱۰ ش. مجبور شد برای جلوگیری از تیرگی روابط دو کشور تمام مدارس مذکور را منحل کند و اسباب و اثاثیه آنها را به دولت اتحاد شوروی واگذار نماید.^{۲۴}



زیر نویس:

- ۱- گزارش قنصلگری ایران در باطوم، ۱۳۰۳ ش (۱۳۴۱ ق) نمرة ۱۱۵-۷۵- [۲۱۸۰]
- ۲- گزارش نماینده کمیساریای ملی معارف: ک. کوسیکول [۲۱۶۷]
- ۳- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۹ ش. نمرة ۱۰۶۵ [۲۱۶۵]
- ۴- گزارش مایل توپسرکائی نماینده معارف ایران، ۱۳۰۳ ش. نمرة ۱۴ [۲۱۶۵]
- ۵- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۲ ش. نمرة ۷۸۵ [۲۱۶۵]

- ۶- Komcomol، گزارش مایل توپسرکائی، ۱۳۰۳ ش، نمرة ۳۶ [۲۱۶۵]
- ۷- گزارش قنصلگری ایران در تفلیس، ۱۳۰۹ ش. نمرة ۷۲۰ [۲۱۷۶]
- ۸- گزارش مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه (میراز اژدر علی زاده)، ۱۳۰۹ ش، نمرة ۲۹۱ [۲۱۶۵]
- ۹- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۹ ش، نمرة ۱۰۶۴ [۲۱۶۵]
- ۱۰- گزارش مایل توپسرکائی، ۱۳۰۳ ش. نمرة ۳۶ [۲۱۶۵]
- ۱۱- گزارش مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه، ۱۳۰۹ ش. [۲۱۶۵]
- ۱۲- گزارش وزارت معارف ایران، ۱۳۰۵ ش [۲۱۶۵]
- ۱۳- گزارش مایل توپسرکائی، ۱۳۰۳ ش. نمرة ۱۴ [۲۱۶۵]
- ۱۴- گزارش مایل توپسرکائی، ۱۳۰۳ ش، نمرة ۳۶ [۲۱۶۵]
- ۱۵- گزارش مدیر مدرسه اتحاد، ۱۳۰۹ ش. نمرة ۵۴۱ [۲۱۶۵]
- ۱۶- شعبه علمی و متدی کمیساریای معارف جمهوری آذربایجان [۲۱۶۵]
- ۱۷- یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۷
- ۱۸- گزارش قنصلگری ایران در تفلیس، ۱۳۰۲، نمرة ۴۶۴ [۲۱۷۷]
- ۱۹- گزارش مدیر مدرسه اتفاق تفلیس (علی جواهر الکلام)، ۱۳۰۹ ش. [۲۱۶۶]
- ۲۰- گزارش مدیر مدرسه مظفری عشق آباد، نمرة ۴۳۴ [۲۱۶۷]
- ۲۱- نظامنامه مدرسه وطن، ۱۳۳۵ ق. [۲۱۸۴]
- ۲۲- گزارش قنصلگری ایران در باطوم، ۱۳۴۱ ق. نمرة ۷۵ [۲۱۸۰]
- ۲۳- گزارش قنصلگری ایران در تاشکند، ۱۳۰۳ ش. نمرة ۱۶۰ [۲۱۷۴]
- ۲۴- اسناد نخست وزیرری، نمرة ۵۸۲۳، ۱۳۱۰ ش. شماره ۱۰۸۰۶

شماره‌های داخل کروش شماره آلبوم اسناد سری الف وزارت معارف تحت عنوان اصلی مدارس ایران در خارج کشور و عنوان فرعی مدارس ایران در جماهیر شوروی ۵۴۰۰۴ می‌باشد.



وزارت امور خارجه

مواد... وزارت اداره که اصل آن بنمره ۱۶۶۶ ثبت شد

تسليم وزارت عدله پر عارضه

در جواب بر ترمه نامه مورخه به سنه ۱۳۰۴ ۱۳۸۵ بفرم شود که وزارت عدله صرفاً نسبت به
 برگردان متراکم و تداوم خبرها، توضیح از آن و آنرا که به سبب مرگ در آن گذشته نیز در این خصوص را در دست
 سرورید که چون نیز عرایض سابق را تجدید عرضت از این جهت در پیله ضیق بهم نوازند که حکومت مستقر
 قدرت سابقه خارج نزل و در وقت معلوم در بر وزارت عدله رسید حکومت جدید در آنجا در دست
 در تمامه در وقت نگر حکومت باشد از طرف همه رسد غیر آن کرد و در در بر در تمامه در پیله معلوم کردن
 لذت در همه چیزیه هر روز که در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن
 مایه دولت مستقر است و در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن
 عزائم می تواند قرار داد و در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن
 در عدله بر تمامه در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن
 در تمامه در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن
 حتی در تمامه در وقت معلوم از طرف وزارت عدله در تمامه در پیله معلوم کردن

۱۰ لونه (۱۰)



تاریخ ۲۵ برج ۱۳۰۰ سنه کمالی ۱۳۰

تقریباً ۹۷۶ ضمیمه

ارت امور خارج

۵۰۳
در ارت عینیه

بسم الله الرحمن الرحیم

در سبب نوری است که در این روزم دیده مخصوصاً در صبح در نظر اول
 در عین اولی که در وقت نماز آمد هر دو طرفه عین از عین اولی بود است
 رسیده یعنی بر زمین: علامت از کفری بود که در وقت اولی بود در نظر اول
 با صفت است عین آن که در وقت نماز هر یک در عین آن که در وقت نماز
 منظر در روح معانی خود نشان بر طفلان در راه است مخصوصاً در وقت نماز
 معنوی از این بیتی معنی از دردی است بر عین اولی که در وقت نماز
 در اولی که در وقت نماز هر دو طرفه عین از عین اولی بود است
 در وقت نماز که در این است که یک نفر هر دو طرفه عین از عین اولی بود است
 در وقت نماز که در این است که یک نفر هر دو طرفه عین از عین اولی بود است
 در وقت نماز که در این است که یک نفر هر دو طرفه عین از عین اولی بود است
 در وقت نماز که در این است که یک نفر هر دو طرفه عین از عین اولی بود است

۶۹

۱۴

در ذات درویشی است در کفایت در ذات قلم برانده و نهفته
 در برده هر که در حضور سوزان سوزان است در ذات قلم در حضور در آن
 خطی است

بهمنی
 ۱۳۰۵

در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت

در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت

در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت
 در کفایت در کفایت در کفایت



وزارت امور خارجه

سوادرات نمبر ۱۰۲۹، مورخہ ۱۳۰۱ھ و وزارت امور خارجہ کے اصل آن نمبر ۱۰۲۹ بجت شد
ادارہ گورنمنٹ، لہور

رقمہ تحتہ ۱۵۳۴۹ کے تحت مدرسہ بہت و غیرہ کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
تسلسلہ قبول دیران درہوم وضعیت مدرسہ لبرائنات فوق ۱۴۴۴ھ کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
تسلسلہ لبرائنات تو مدرسہ کتب مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست

سوادرات نمبر ۱۰۲۹، مورخہ ۱۳۰۱ھ و وزارت امور خارجہ کے اصل آن نمبر ۱۰۲۹ بجت شد

وزارت امور خارجہ کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست
مدرسہ لبرائنات کے مدرسین کے لئے سہولت کی درخواست

ادارہ گورنمنٹ، لہور



۲۶۹

وزارت امور خارجه

مواد: ۳۱۱۰۴ مورخه: ۳۱/۱۰/۳۲
وزارت امور خارجه اداره امور خارجه
شماره: ۷۱۴۴ ثبت در

اینکه چنانچه در این وزارت معینه سرتی است که از چندین بند در قلمه صرف و کای قیدار است

در سال ۱۳۱۰ در مورد امور دولت قلمه و کای یک در رسم در قلمه آردت رخصت سرتی

تا قلمه مدرسه فرودت، مالی جمع ادراست جمع رسم و قلمه ایرادت را که در کای مستند بر این است

مدرسه سرتی - نفوذ قلمه سرتی این مایر سرتی این در قلمه و کای سرتی در قلمه سرتی

اداره - مدار بر سرتی از طرف وزارت معینه سرتی معقرات سرتی در قلمه سرتی

سرتی - مدار سرتی که در کای اول جمع در مدار سرتی در قلمه سرتی در مدار سرتی سرتی

در سال ۱۳۱۰ معینه سرتی معینه سرتی معینه سرتی معینه سرتی

Handwritten signature